سرمقاله

کمک های جهانی با امکانات داخلی

محمدرضا هویدا

جنگ افغانستان، یکی از طولانی ترین جنگهای در منطقه و جهان است که نیم قرن زندگی مردم افغانستان با خود به آتش کشیده است. خطرناک ترین گروه های تروریستی در این جنگ حضور داشته اند، سفاکترین دولت ها در این مدت بر مردم افغانستان حکمروایی کرده اند، بزرگترین قدرتهای جهانی در این جنگ دخالت داشته اند، میلیونها انسان جان خود را از دست داده اند و یا زخمی و معلول شده اند، میلیونها انسان مهاجرت کرده اند.
این جنگ به قیمت نابودی تمام زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افغانستان تمام شده است. زمانی که این جنگ از زبان روسای جمهوری افغانستان در نشست های بین المللی و کنفرانس های جهانی توضیح داده می شود، جملاتی هشدار دهنده، همراه با درخواست کمک، با توجه به روحیه حاکم بر جلسات، از افغانستان کشوری درمانده که تنها به کمک های جهانی می شود آن را به بهشت تبدیل کرد، ترسیم می شود. و یا افغانستان جهنمی ترسیم می شود که اگر به آن توجه و کمک نشود، به زودی آتش آن دامنگیر تمامی کشورهای دنیا می گردد و آنگاه پیشمانی سودی نخواهد داشت.
شکی در این نیست که در افغانستان خطرناک ترین گروه های تروریستی وجود دارند و عملا فعال هستند. این گروه های تروریستی به هدف از بین بردن همه افغانستان و به بردگی کشانیدن این کشور وارد شده اند، از هیچ نوع جنایتی نه ابایی داشته اند و نه دارند، دست به هر کاری می زنند، همان گونه که افغانستان را به آتش کشیده اند، می خواهند منطقه و دنیا را به آتش بکشند.
اما در این میان، مردم افغانستان به کمک جامعه جهانی در حدود سیزده سال گذشته، بنای حکومتی را گذاشته اند که خواستها و آرزوها و امیال آنها را برآورده سازد، دموکراسی را پایه گذاری کردند، جوان هایشان در قالب اردو و پولیس و نیروهای امنیتی مردانه جنگیدند و خون دادند تا ریشه های دموکراسی را آبیاری نمایند، تا حاکمیت قانون را تقویت کنند. همین ها بودند که به بهای از دست دادن جانشان و بریده شدن دست ها و انگشتان شان حاضر شدند پای صندوق های رای بروند، و رئیس جمهوری انتخاب کنند و انتخابات (قانونی ترین روش تعیین حاکمیت) را تثبیت کنند.
اما هنوز، دولت های افغانستان بعد از سیزده سال جنگ در مقابل طالبان و القاعده و شبکه حقانی، نتوانسته اند تعریف واحدی از این گروه ها ارایه بدهند، چگونه انتظار دارند که دولت های دیگر تعریفی از این گروه برای دولتمردان افغانستان داشته باشند. دولت افغانستان نتوانسته خطری که این گروه ها برای مردم افغانستان دارد را به طور واقعی درک کند و با درک آن اقدامات منظم و هماهنگ و ملی را روی دست بگیرد، چگونه انتظار دارد این کار را دیگران انجام دهند؟ دولت افغانستان به هشدارهایی که در سال گذشته و سالهای پیش از آن نسبت به حضور رو به گسترش طالب و داعش و گروه های دیگر تروریستی داده می شد، بی توجهی کرد، و نتیجه را در شکل گسترش داعش در ولایات و شهرهای کشور دیده ایم، چگونه انتظار دارد تا دولت ها و سازمان های دیگر توجه داشته باشد.
اما هم دولت افغانستان و هم سازمان های بین المللی و کشورهای جهان باید به این هشدارها توجه کنند، به خواست افغانستان و به خواست مردم افغاسنتان باید توجه کنند. افغانستان در حال سقوط در کام تروریزم و دهشت افگنی است و اگر فکری به حال آن نشود خطر در بیخ گوش دولت و مردم افغانستان است.
سران دولت افغانستان با سخنرانی های زیبا و جذاب و ترحم انگیز معمولا توانسته اند برای افغانستان کمک های نقدی و حمایتی بگیرند، اما این دولت ها نتوانسته اند از این پول ها به نفع ثبات و امنیت کشور بهره لازم را ببرند. دولت افغانستان باید به همان اندازه که انتظار از کشورها و سازمان های خارجی دارد، به توانایی ها در داخل کشور تکیه کند و از همه امکانات برای مبارزه با تروریزم، فقر، تبعیض، بی عدالتی و ... استفاده کند. در غیر این صورت، ورود کمک های خارجی به افغانستان به معنای بهتر شدن حاکمیت و دولت نیست و به معنای مبارزه با تروریزم نیز نیست.

مبارزه با دهشت افکنی در پاکستان و گسترش ناامنی در افغانستان

رحیم حمیدی

روز جمعه، سخنگوی ارتش پاکستان خبر از دستگیری نزدیک به صد تن از اعضای شبکه القاعده و لشکر جنگوی دادند. بعد از حادثه یازدهم سپتامبر و حمله ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش در افغانستان اعضای مهم شبکه القاعده افغانستان را ترک کردند و به کشور های مختلف متواری شدند. تعدادی از اعضای این شبکه در پاکستان پنهان شدند. بعد از حادثه یازدهم سپتامبر این شبکه حملات را از خاک پاکستان در کشور های مختلف سازماندهی نمودند. تعدادی از فرماندهان شبکه القاعده در پاکستان دستگیر شدند. در آخرین مورد، بن لادن رهبر شبکه القاعده در ابیت آباد پاکستان از سوی نیروهای ویژه ارتش آمریکا کشته شدند. در یک و نیم دهه مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی واضح نموده است که مبارزه با دهشت افکنی در دو کشور موجب متواری کردن تروریستان می شود. زمانی که حکومت پاکستان اعضای شبکه القاعده و دیگر گروه های تروریستی را مورد پیگرد قرار می دهد، آنها پاکستان را ترک نموده به وارد خاک افغانستان می شود و برعکس، زمانی که حکومت افغانستان مبارزه و پیگرد اعضای گروه تروریستی را شدت می بخشد، آن ها وارد خاک پاکستان می شود.
سال گذشته، زمانی که تروریستان بر مکتبی در شهر پشاور حمله نمودند و ارتش پاکستان مبارزه با گروه های دهشت افکن را شدت بخشیدند آن ها به افغانستان آمدند. دقیقا، زمانی که ارتش پاکستان مواضع و لانه های تروریستان در خاک پاکستان را مورد حمله قرار دادند، ناامنی در افغانستان گسترش یافت. در آن زمان، حکومت افغانستان و رسانه های کشور گسترش ناامنی در کشور را به خاطر وارد شدن تروریستان از خاک پاکستان به افغانستان می دانستند. با توجه به تجربه گذشته، حملات ارتش پاکستان بر مواضع گروه های تروریستی منجر به گسترش ناامنی در خاک افغانستان خواهد شد. از این جهت، لازم است که حکومت افغانستان به تبع آن اقدامات را روی دست گیرد.
ظهور داعش در افغانستان موجب احیای مجدد شبکه القاعده در افغانستان شده است. زیرا، گروه طالبان ظهور داعش را خطری برای موجودیت خود درک نمودند. به همین خاطر، بار ها با این گروه وارد مبارزه مسلحانه و خشونت آمیز شده است. در آخرین مورد، گروه طالبان از مردم ننگرهار خواسته است تا آن ها را در مبارزه با داعش کمک نماید. به سخن دیگر، گروه طالبان در حال سربازگیری از میان مردم برای مبارزه با گروه داعش در ولایت ننگرهار است. گروه داعش نیز تا اکنون تلاش نموده است اعضای ناراضی گروه طالبان را جلب و جذب نماید. داعش تا حدودی زیادی در جلب و جذب اعضای ناراضی گروه طالبان موفق بوده است. مقاومت این گروه تازه تأسیس در برابر گروهی که سال ها در افغانستان حضور داشته است، نشان موفقیت این گروه در سربازگیری و جلب و جذب اعضای جدید می باشد. زیرا، مقاومت گروه ها در میدان جنگ رابطه مستقیم با نیروی انسانی آن ها دارد. از سوی دیگر، گروه طالبان با بحران رهبری مواجه است. مرگ ملا عمر، منجر به کاهش مشروعیت این گروه شد. شبکه القاعده از بحران مشروعیت در رهبری گروه طالبان و حضور گروه داعش در افغانستان استفاده نموده و در حال سربازگیری مجدد برآمده اند. از آنجایی که گروه داعش قلمرو و حوزه دارالکفر را توسعه بخشیده است و خود مسلمانان را به قتل می رساند، این مسئله ابزاری مهم تبلیغاتی برای شبکه القاعده شده است. به هر صورت، شبکه القاعده در حال بازگشت دوباره است. حملات بر مواضع و لانه های شبکه القاعده در پاکستان منجر به متواری شدن اعضای این شبکه می شود. بدون شک، افغانستان گزینه مناسب برای این شبکه تروریستی است. بنابراین، در آینده احتمال آن می رود که شبکه القاعده قدرتمند شود و فعالیت خود را یک بار دیگر از سر گیرد.
لشکر جنگوی به لحاظ ایدئولوژیک با گروه داعش نزدیکتر است. این گروه بار ها، شیعیان را در پاکستان مورد حمله قرار داده‌اند. در بسا موارد دیگر، رفتارهای این گروه شباهت های زیادی با گروه داعش داشته اند. با تشدید حملات ارتش پاکستان بر مواضع این گروه، احتمال آن می رود که اعضای این گروه نیز وارد خاک افغانستان شود. با توجه به شباهت رفتاری لشکر جنگوی با گروه داعش احتمال آن می رود که اعضای آن جذب گروه داعش گردد. بنابراین، تقویت صفوف گروه داعش در افغانستان دور از احتمال نخواهد بود. در هر صورت، نتیجه کلی آن گسترش ناامنی در افغانستان خواهد بود.
اهداف اولیه نیروهای بین المللی در افغانستان مبارزه با شبکه القاعده است. با وجود گذشت بیش از یک و نیم دهه مبارزه و پیگیری اعضای شبکه القاعده آن ها همچنان به دنبال آن هاست. در عین حال، در هفته های اخیر، پنتاگون دستور حمله بر مواضع داعش را صادر نموده است. این دو گروه تروریستی اگر چه از سوی نیروهای بین المللی در افغانستان سرکوب می شود اما برای جلوگیری از گسترش ناامنی در افغانستان لازم است که تدابیر جدی روی دست گرفته شود. مبارزه و سرکوب شبکه القاعده و گروه داعش از سوی نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان اما، حکومت افغانستان را از روی دست گرفتن اقدامات برای جلوگیری از ورود تروریستان نباید باز دارد. بنابراین، مبارزه با تروریسم از کارویژه های بنیادی حکومت وحدت ملی است.
برای جلوگیری از ورود تروریستان به خاک افغانستان لازم است که حکومت وحدت ملی مراقبت و کنترل خود را بر مرزها افزایش دهد. این مسئله یک امر جدی است. این در حالی است که روزانه صدها تن به صورت غیر قانونی از مرز کشور تردد می نماید. رفت و آمد شهروندان افغانستان و پاکستان به شکل کنونی امکان ورود تروریستان به خاک افغانستان را افزایش می دهد. بنابراین، اولین اقدام حکومت کنترل بیشتر بر مرز میان افغانستان و پاکستان است.
با این حال، مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی نیازمند مبارزه مشترک است. همان طور که در بالا متذکر شدم که مبارزه با تروریسم در یک کشور منجر به متواری شدن آنها در کشور دیگر می گردد. این ضرورت مبارزه مشترک با تروریسم و دهشت افکنی را نشان می دهد. بنابراین، لازم است که هماهنگی میان نیروهای امنیتی افغانستان و پاکستان شکل گیرد تا اعضای گروه های تروریستی در خاک دو کشور مورد پیگرد قرار گیرد. بدون هماهنگی نیروهای امنیتی دو کشور امکان برچیده شدن گروه های تروریستی در خاک دو کشور امکان پذیر نیست. این دو کشور همچنان قربانی خشونت ها و دهشت افکنی خواهد بود.
بنابراین، آغاز تشدید حملات بر مواضع گروه های تروریستی در خاک پاکستان منجر به متواری شدن این گروه می شود. افغانستان نزدیک ترین و امن ترین جای برای گروه های تروریستی است. آمدن آن ها به افغانستان بدون شک، تأثیری بر اوضاع امنیتی کشور می گذارد. بنابراین، لازم است که تدابیری جدی امنیتی روی دست گرفته شود. نادیده گرفتن این مسئله پیامد های سنگین بر حکومت و مردم خواهد گذاشت. با این حال، کنترل مرزها و هماهنگی بیشتر نیروهای امنیتی با نیروهای امنیتی پاکستان از اقدامات اولیه و اساسی است که حکومت وحدت ملی می تواند انجام دهد. این اقدامات لازم است اما کافی نیست.

افغانستان و استفاده دوباره از فرصت ها

شکور

بر اساس گزارش ها کشورهای عضو ناتو بار دیگر تعهد شان را با افغانستان و تمویل مالی نیروهای امنیتی کشور را تا پایان سال ۲۰۲۰ میلادی اعلام داشته اند. دبیر کل سازمان ناتو در آخرین روزهای هفته گذشته در پایان نشست وزیران دفاع ۲۸ کشور عضو ناتو در بروکسل، در یک نشست خبری تعهد مجدد همکاری این سازمان با افغانستان را اعلام داشت. بنا به اظهارت منابع مطلع هرچند مسئله افغانستان شامل آجندای این نشست نبود، اما کشورهای عضو ناتو، در جریان نشست خود، وضعیت امنیتی افغانستان را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و از مأموریت حمایت قاطعدر افغانستان دفاع نمودند. بنا به اظهارات دبیرکل ناتو اعضای ناتو همچنان توافق کرده اند تا سه مسئله اساسی؛ آموزش، مشاوره و کمک به نیروهای نظامی افغانستان را ادامه دهند. وی در ادامه افزود که اعضای ناتو تاکید ورزیده اند تا زمانی که وضعیت امنیتی در افغانستان بهبود نیابد، این سازمان در کنار مردم افغانستان خواهد ماند. بنابه گزارش های دریافتی دبیرکل ناتو در ارتباط با سخنان رئیس جمهور در این نشست اعضای ناتو تاکید ورزید ما به حمایت خود از افغانستان ادامه خواهیم داد، اگر ما واقع‌گرایانه ببینیم، ما می‌دانیم که مشکلات وجود دارد. در سال ۲۰۱۶ همانطور که رییس جمهور غنی هم اشاره کردند، حملات شدت خواهد یافت، اما ما به نیروهای امنیتی افغان اعتماد داریم و از تمام نیروهای امنیتی افغانستان در تامین امنیت حمایت می‌کنیم.
هم چنین پیش از این گزارش شده بود که امریکا در طرح بودجه خود دو نیم میلیارد دالر را برای بخش ملکی در افغانستان اختصاص داده است. در این ارتباط وزیر خارجه امریکا طرح بودجه سالانه امریکا را به مبلغ چهار و نیم تریلیون دالر به کانگرس این کشور پیشنهاد نمود. وزیر خارجه امریکا هنگام ارائه این بودجه به کانگرس اظهار داشت در این بودجه دو و نیم میلیارد دالر امریکایی برای افغانستان در بخش‌های ملکی در نظر گرفته شده است.گفته شده است که این بودجه در بخش‌های معارف، صحت، انکشاف اقتصادی و حکومت‌داری خوب به مصرف خواهد رسید.وزیر خارجه امریکا تاکید ورزیده است که با این کمک، دستاوردهای ۱۴ سال گذشته در افغانستان حفظ و وضعیت این کشور نیز بهبود خواهد یافت. قابل یادآوری است که یشتر از این نیز مقام های امریکایی اعلام داشته بودند برای نیم قرن یعنی تا ۲۰۵۰ میلادی در افغانستان حضور نظامی خواهند داشت و در این مدت دولت افغانستان از حمایت نظامی و مالی امریکایی ها بر خوردار خواهد بود.
مجموع گزارش های یادشده می تواند در شرایط کنونی کشور خبرهای امیدوار کننده و مثبت تلقی نمود. شاید بتوان گفت در میان مجموعی از گزارش های تکان دهنده و دارای بار منفی این خبرها و گزارش ها کاملا مثبت و امید بخش دانسته می شود. اما تجربه های گذشته به ما آموخته است که در برابر چنین گزارش های نبایستی دچار هیجان گردیده و واقعیت های عمیق جامعه را فراموش نمود. بدین خاطر است که ضمن استقبال از حمایت و هم نوایی دوباره جامعه بین المللی با افغانستان در عرصه های گوناگون بویژه در عرصه امنیت و حمایت مالی باید برای پرسش های برآمده از تجارب گذشته و اعلام وضعیت جدید و حمایت های دوباره جهان از افغانستان پاسخ های قانع کننده پیدا نمود. پرسش های که در این زمینه می تواند مطرح باشد فراوان است اما شماری از آنان را می توان اینگونه فهرست کرد: آیا افغانستان با دریافت این حمایت ها خواهد توانست تا جایگاه خود را در عرصه بین المللی بدست آورد؟ آیا حکومت خواهد توانست منزلت و جایگاه خود را در میان رتبه های بدست آمده از میان فاسد ترین دولت های جهان به دولت سالم، پاسخگو و مدرن تغییر دهد؟ آیا افغانستان با بدست آوردن حمایت های نظامی و امنیتی یاد شده قادر خواهد شد که زمینه دخالت ها و حمایت ها از مخالفین مسلح را کاهش بخشد؟ آیا نیروهای امنیتی قادر خواهند بود که مخالفین مسلح را سرکوب و عرصه تاخت و تاز شان را محدود سازد؟ آیا مافیای قدرت و ثروت که در ساختار حکومت ریشه دوانیده است اجازه خواهد داد، یا به تعبیر دقیق تر حکومت خواهد توانست که با رهانیدن خود از چنگ آنان سلامت، عدالت و توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی را در جامعه تحقق بخشد؟ و....بدون شک این کمک ها و حمایت ها فرصت های بسیار بزرگی را برای دولت و دولتمداران کشور مساعد می سازد تا از این فرصت ها در جهت ثبات، توسعه، عدالت و اقتدار کشور بهره برداری شود. در تشریح موضوع باید یاد آور شد که افغانستان از زمره کشورهایی است که در طول تاریخ خویش کمتر توانسته است که از فرصت‌های پیش آمده در عرصه داخلی و خارجی بخوبی و بایسته به سود خویش بهره برداری نماید. سیزده سال گذشته یکی از بهترین نمونه‌های است که ادعای گفته شده را تایید می‌نماید. با سقوط طالبان و حضور جامعه بین المللی در کشور و سرازیر شدن کمک‌های بین المللی و اقبال بی‌مانند داخلی این خوش بینی را بوجود آورد و به شدت آن را تقویت بخشید که افغانستان بطور قطع دوران تاریک خود را پشت سرنهاده و روزهای خوش و روشنی را استقبال خواهد نمود. اما با گذشت سیزده سال، شرایط آشفته و ناامن کنونی نشان می‌دهد که آنچه گفته شد یک رویای خام و بی‌بنیاد چیزی بیش نبوده است. وضعیت نابسامان کنونی حکایت از آن دارد که سیاستمداران کشور با آنکه تجارب تاریخی مهم و بسیاری را پشت سرنهاده اند، ولی نتوانستند این تجارب را در رقم زدن سرنوشت آینده خویش بصورت مطلوب بکارگیرند. پانزده سال گذشته که از فرصت‌های طلایی و استثنایی برای کشور محسوب می‌گردید در اثر سوء مدیریت و عدم صداقت مدیران ارشد کشور با کمترین دست آورد سپری گردید. اکنون کشور و حکومت آن بر سر سفره خالی و با انبوهی از دشواری‌ها و نابسامانی‌ها و ناامنی‌های فزاینده مانده اند.
ناگفته نباید گذاشت که چگونگی کارکرد جامعه بین المللی نیز در افغانستان قابل نقد و بررسی است که پرداختن به آن در این نوشتار میسر نیست و به فرصت دیگر واگذار می‌گردد. اما نکته نهایی اینست که سوء مدیریت حکومت افغانستان و عملکرد ناقص جامعه بین المللی در کشور سبب گردیده است که از تجارب بدست آمده و فرصت مناسب فراهم شده استفاده درست صورت نگیرد.
اما در شرایط کنونی که ناامنی گسترده از هر سوی کشور را فراگرفته است؛ هم چنین رکود اقتصادی بر چرخ‌های اقتصاد جامعه مستولی گردیده است؛ سرخوردگی و ناامیدی از آینده مناسب و قابل اعتماد فرد فرد اجتماع را منزوی و ناامید گردانیده است؛ کشور در عرصه بین المللی هر روز به گوشه انزوا رانده می‌شود و.... در چنین وضعیتی اعلام حمایت ها و حضور دوباره جامعه بین المللی در کشور و تداوم حمایت از عملیات قاطع وادامه حضور فرصت دیگری را فراروی سیاستگران و مدیران کشور قرار خواهد داد. این مسئله از آنجا مهم است که گفته شده است که ادامه حضور نیروهای ناتو با عنوان حمایت همه جانبه در عرصه‌های مختلف همراه می‌باشد. انتظار برده می‌شود که در فرصت فراهم شده دولتمردان کشور برای ایجاد و تقویت بنیادهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور برنامه ریزی دقیق داشته باشند و با انگیزه و رغبت دلسوزانه به منافع ملی و آینده کشور از این فرصت پیش آمده بهره برداری نمایند. هم چنین جامعه بین المللی نیز با توجه به تجارب سیزده سال گذشته در چگونگی انجام ماموریت خویش تجدید نظر نموده و با رفع کاستی‌ها راهکارهای مناسب و موثر حمایتی را در پیش گیرند. بنابراین چنانچه از آخرین فرصت پیش آمده در جهت تقویت اراده داخلی و بسترهای موجود در کشور و تجارب کمایی شده بهره برداری مناسب صورت گیرد می‌توان در رفتن بسوی آینده روشن امیدوار بود. حال دیده شود که دولتمردان کشور تا چه اندازه از روزهای سپری شده و فرصت های تلف شده عبرت آموخته اند و قادر خواهند بود که فرصت های جدید بدست آمده را دست مایه سازندگی و ثبات و ترقی کشور قرار دهند. بدون شک نخستین مرحله استفاده از چنین فرصت هایی وجود یک برنامه دقیق ملی می باشد و دیگر انسجام محکم و استوار ساختار سیاسی و حکومت در استفاده از این فرصت های ملی و کنار نهادن رقابت ها و تضادهای منفی جناحی و شخصی و قومی باید بصورت جدی و قاطع مطمح نظر باشد.

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com